



گروه علمی فرهنگی فتح

از علم کاربردی تا علم دکوری

نمیدانم تاسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ و رواج و اجباری کردن برسر گذاشتن کلاه پهلوی بین مردم چه ارتباطی با هم دارد. اما به گفته‌ی موسسین دانشگاه تهران غرض از بسط اولین موسسه آموزش عالی، گسترش نظام آموزشی مدرن و غربی در دوران پهلوی و اساساً تحکیم بنیان نظام طاغوتی رژیم غرب زده‌ی پهلوی بوده است. "مخبر السلطنه‌ی هدایت" زمانی که طرح ساخت دانشگاه تهران رو به اتمام بود، خود گفت که: هدف، اصلاح عقل و روح مردم این مملکت است. اساساً این ایده‌ی زمانی تعبیر می‌شود و صحیح است که ایران اسلامی قبل از مشروطه را تمدنی بدانیم که روح و عقل مردم در آن رو به اضمحلال رفته، از اصول عقلانی فاصله گرفته و رو به توحش نهاده بود، و حالا با تاسیس دانشگاه تهران قصد اصلاح آن را داشته ایم. (بخوانید کلاه گشاد علمی پهلوی) آری از نظر روشنفکران آن دوره (بخوانید مامورین پخش کلاه پهلوی) روح و عقل امثال فارابی‌ها، ابن سیناها نیاز به اصلاح اساسی داشت آن هم با حضور اساتیدی غربی! (جای استاد بخوانید صاحب خط تولید کلاه پهلوی) و البته این اصلاح عقل و روح به سبک "کلاه پهلوی" همچنان در فضای دانشگاه ما ادامه دارد. (بخوانید ناتوانی خودمان در تولید کلاه ایرانی- اسلامی). دبستان که بودیم، بعضی اوقات انشای دوستان را مینوشتیم، گاهی اوقات آن قدر غرق در رفاقت می‌شدیم که انشای خودمان را فراموش می‌کردیم بنویسیم. امروز علم و نظام آموزشی غرب را چنان برای خودمان مقدس کرده ایم که جسارت تردید در ابعاد هستی‌شناسی و انسان‌شناسی را نداریم یعنی همان خود باختگی علمی و کار ما در این "علم بازی" شده است صرفاً ترجمه. توجه به دو نکته‌ی اساسی می‌تواند ما را به نتایج مهمی در وضع آنچه به نام علم یا به تعبیر نگارنده "علم دکوری" است برساند. در ابتدا نگاه به تاریخچه‌ی علم دکوری، دوماً توجه به آنچه که خود در دست داشته ایم. "ژاک لینه‌هارت" در تعریف روشنفکران می‌گوید: در هر جامعه گروه‌هایی هستند که نقش آنها فراهم کردن یک جهان بینی معین برای آن جامعه است. به عنوان مثال در علم اقتصاد "آدام اسمیت"، پدر علم دکورلاریزه شده‌ی اقتصاد، معتقد است: ما در دنیایی جدید به سر می‌بریم، دنیایی که در جریان کالاها و خدمات مصرفی افراد، هدف و مقصود نهایی



گروه علمی فرهنگی فتح

زندگی اقتصادی را شکل می دهد. اکنون تعریف روشفکر و اهل علم و دانشگاهی را با تعریف آدام اسمیت مقایسه کنید. از علم اقتصاد، علمی که تکیه اش بر مصرف است، یعنی پیشرفت اقتصاد، پیشرفت شرکت ها، توسعه یافتن مناسبات اقتصادی مبتنی بر مصرف بیشتر است، اکنون میخواهیم برای انسانی مسلمان که دینش او را به قناعت یعنی مصرف به حد نیاز، بجای مصرف بیشتر و بیشتر، تاکید شده عمل کنیم با آدام اسمیتی مواجه می شویم که با تجویز نسخه مصرف بیشتر، انسان را بنده خرید و مصرفی می کند که نیاز واقعی او برای زندگی نیست، یا به اصطلاح انسان را به از خودبیگانگی در جهت منافع سرمایه داران سوق می دهد. حالا بجای اینکه خودمان برای خودمان اقتصادی مبتنی بر اصولی ثابت و الهی و براساس نیازهای واقعی و بومی با نگاهی اصیل به انسان، مصرف، قناعت، زهد و تلاش بنا سازیم کارمان شده ترجمه یا همان گذاشتن کلاه پهلوی بر سر خودمان.

عده ای چنان سنگ علم مدرن محصور در سیاست و محافظ اموال زرسالاران یهود را به سینه می زنند که گویی در ۱۳۰۰ سال گذشته انسان ایرانی مسلمان در برهوت اشباح زندگی کرده است، و علم امثال فارابی ها و ابن سیناها آب در هاون کوبیدن بوده است. به عنوان هشدار صمیمانه به تمامی اساتید، دانشجو ها بایدگفت آنچه وضعیت امروز دانشگاه و علوم دانشگاهی ما با ان روبه روست وضعی اسف بار است و کارمان شده عوض کردن کلاه پهلوی با کلاه شاپو! آیا وقت آن نرسیده است که دانشجویان و اساتید جای تعویض کلاه پهلوی با شاپو به فکر کلاهی مناسب با تمدن نوین اسلامی باشند؟

به قلم: سید محمد آل عمران (دانشجوی کارشناسی رشته ی روانشناسی بالینی)